



پژوهشی در زندگی هنری

۱۲۶۳-۱۳۵۴ ه.ش

سلیمان خان امیر قاسم خان

تعمیر و مرمت شاهزادی

۸



قیمت: ۷۰۰۰ ریال

پژوهشی در زندگی هنری سلیمان خان امیر قاسم خانی

(۱۲۶۳-۱۳۵۴ ه.ش)

تہمورس شاہرخ



سرشناسه	شاهرخی، تهمورس، ۱۳۲۰-
عنوان و نام پدیدآور	پژوهشی در زندگی هنری سلیمان خان امیر قاسم خانی
مشخصات نشر	تهران، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری، متن، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۱۱۲ ص.؛ مصور.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۲۳۲-۲۲۰-۶
وضعیت فهرست نویسی	فیبای مختصر.
یادداشت	فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی http://opac.nli.ir قابل دسترسی است.
یادداشت	کتابنامه.
شناسه افزوده	فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری "متن".
شماره کتابشناسی ملی	۳۸۶، ۷۴۶،



مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»

پژوهشی در زندگی هنری سلیمان خان امیر قاسم خانی (۱۲۶۳-۱۳۵۴ ه.ش)

پژوهش: تهمورس شاهرخی

صفحه آرا: میثم رادمهر

طراح جلد: مرضیه سرمشقی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ: چاپخانه دیجیتال فرهنگستان هنر

ISBN: 978-964-232-220-6

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۲-۲۲۰-۶

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

مؤسسه: تهران - انتهای خیابان فلسطین جنوبی - خیابان لقمان ادهم - بن بست بوذرجمهر - شماره ۲۴ - مؤسسه

تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن». تلفن: ۴-۶۶۴۹۸۶۹۲ - دورنگار: ۶۶۹۵۱۶۶۲ - صندوق پستی: ۱۳۷۷ - ۱۳۱۴۵

پست الکترونیک: Info@matnpublishers.ir

فروشگاه مرکزی: خیابان ولی عصر - نرسیده به چهارراه طالقانی - شماره ۱۵۵۰ - ساختمان مرکزی فرهنگستان هنر.

تلفن: ۶۶۴۹۰۹۹۰

نشانی اینترنتی: www.matnpublishers.ir

فهرست مطالب

۷	درآمد
۹	مقدمه مؤلف
۱۳	فصل اول: مروری بر زندگی سلیمان خان امیر قاسم خانی
۱۹	فصل دوم: روش تدریس
۲۷	فصل سوم: مقایسه روش آموزش سلیمان خان با استادان دیگر
۳۰	عبداله خان دوامی
۳۳	میرزا محمود کریمی
۳۹	فصل چهارم: خوانندگی استاد سلیمان خان امیر قاسم خانی
۴۲	کوک ساز
۵۳	فصل پنجم: دیدگاه های سلیمان خان امیر قاسم خانی درباره موسیقی
۵۹	فصل ششم: همدلان و دوستان
۶۱	علی خان نایب السلطنه
۶۳	سعید خان هرمزی
۶۵	علی مختار تجویدی

۶۷	ادیب خوانساری
۶۸	اصغر بهاری
۷۱	رضا ورزنده
۷۳	علی اکبر خان شهنازی
۷۵	حاج آقا محمد ایرانی مجرد
۷۸	رجب علی امیری فلاح
۷۹	حسین قوامی
۸۰	امیر مؤید
۸۱	حسن یکرنگی
۸۵	فصل هفتم: خاطرات
۱۰۱	فصل هشتم: نقل قول هنرمندان درباره سلیمان خان امیر قاسم خانی و دوستان هنرمند وی
۱۰۳	فرهنگ فرهی و منوچهر همایون پور
۱۰۳	آشنایی استاد سلیمان خان امیر قاسم خانی با استاد ادیب خوانساری
۱۰۴	تغییر نام سلیمان خان امیر قاسم خانی
۱۰۵	علی عابد
۱۰۷	شاگردان استاد سلیمان خان امیر قاسم خانی
۱۰۹	فصل نهم: در خصوص قطعات ضبط شده از آواز استاد سلیمان خان امیر قاسم خانی
۱۱۱	منابع
۱۱۳	درباره نویسنده

درآمد

شد مشتبه ز کعبه به میخانه راه ما ای بهتر از هزار یقین اشتباه ما

زمانی که با شیوه سنتورنوازی حبیب سماعی آشنا شدم و خواستم به گونه‌ای ناآموختنی آن را بیاموزم، متوجه شدم که باید با موسیقی دوران و زمان حبیب سماعی نیز آشنا شوم تا به تدریج بتوانم به فضای اجرایی موسیقی اصیل ایرانی تا اندازه‌ای دست یابم، این نگاه باعث شد که از آثار ضبط شده در صفحات قدیمی با طرز و شیوه سلیمان خان امیرقاسم خانی که به نام سلیمان امیرقاسمی شهرت داشت، آشنا شوم و آوازی را که حالتی کاملاً عارفانه و حکیمانه داشت، با جان و دل بشنوم. بعدها آشنایی با دیگر آثار ضبط شده استاد در نوارهای خصوصی باعث شد با فضا و شیوه خواندن او بیشتر آشنا شوم و بیشتر بیاموزم.

وقتی به آثار به جا مانده استاد امیرقاسم خانی گوش فرا می‌دهیم ویژگی‌های برجسته‌ای را در آواز ایشان مشاهده می‌کنیم که مهم‌ترین آن‌ها وسعت صدای استاد است که دارای بم بسیار زیبا و دلپذیر است و صدای اوج خوش‌آهنگ و صدای بالای اوج که به آن غیث نیز می‌گویند را در آواز ایشان به لطافت و زیبایی می‌شنویم.

زمانی که برای فراگیری ردیف و شیوه سنتورنوازی حبیب سماعی در خدمت استاد نورعلی برومند بودم، ایشان از طرز صحیح و زیبایی خواندن و همچنین از وسعت کامل صدای امیرقاسم خانی بسیار تعریف و تمجید می‌کردند، این در حالی بود که استاد برومند تحت تأثیر مکتب سیدحسین طاهرزاده بودند و شیوه و

طرز خواندن او را در آموزش به کار می بردند. ویژگی دیگر آواز امیرقاسم خانی پرهیز از بیهودگی خواندن و بسط های نامناسب است که بسیار گویا و مختصر و به صورت ایجاز مطالب زیبای آن را در یک آواز یا دستگاه می شنویم. البته این ویژگی شامل تمام خواننده های خوب گذشته مانند سیداحمدخان، قلی خان شاهی، حسینعلی نکیسا، اقبال آذر، طاهرزاده، پروانه و عبدالله خان دوامی، نیز می شود. منتها هر کدام با ذوق و سلیقه و فرهنگ خاص خود به اجرای موسیقی ایرانی و خواندن گوشه های دستگاه ها و آوازا می پرداختند.

یکی دیگر از ویژگی های استاد امیرقاسم خانی انتخاب بیت های مناسب برای هر آواز و دستگاه است که معمولاً دو بیت از یک غزل را در درآمد و گوشه های اول آواز یا دستگاه می خواندند و سپس دو یا چند بیت از یک غزل دیگر؛ و انتخاب بیت ها به گونه ای است که بسیار دلپذیر و هماهنگ جلوه می کند. همچنین می توان به گویایی کلمات شعر، روانی، متانت و وقار استاد هنگام ادای کلمات و اجرای دلنشین آن اشاره کرد.

جای بسی قدردانی و خوشحالی است که یکی از شاگردان باوفای استاد امیرقاسم خانی، بدون هیچ گونه ادعایی سرگذشت و شیوه خواندن و آموزش استاد را به تحریر و نگارش در آورده است. آقای تهمورس شاهرخی خود موسیقی دان و موسیقی شناس و استاد آوازند و نگارنده این سطور سال ها با ایشان در حیطه فعالیت های موسیقی ایرانی آشنایی داشته است.

امروزه به علت گسترش گرایش به موسیقی مردم پسند لازم است به فرهنگ معنوی و اصیل موسیقی ایرانی به ویژه موسیقی نواحی ایران و موسیقی دستگاهی ردیف بیشتر توجه شود و آثار مصوت و مکتوب تألیف و پژوهش گردد تا جوانان و علاقه مندان به موسیقی از هنر کشور خود آگاه شوند. چنانکه در پیش گفتار مؤلف کتاب آمده است، هنرمند و خواننده ای بزرگ مانند سلیمان امیرقاسم خانی نباید پس از نیم قرن در تاریخ فرهنگ موسیقی ما همچنان گمنام باقی بماند.

مقدمه مؤلف

آن کس که ز شهر آشنایی است داند که متاع ما کجایی است

موسیقی هر ملت، معرف فرهنگ، هویت و خلاصه زبان گویای همان ملت است و هر ملتی را با کارنامه فرهنگ، ادب و هنر آن سرزمین ارزیابی می‌کنند. همچنین تدقیق و تحقیق در آثار و بناهای تاریخی، امثال و حکم، زبان، آثار هنری و اصولاً عوامل مرتبط با تمدن بشری در هر کشور و نیز تاریخ تحولات آن از نظر اجتماعی و اقتصادی شناخت کاملی از آن سرزمین به دست می‌دهد.

ایران سرزمین اندیشمندانی چون ابن سینا، فارابی، صفی‌الدین ارموی، عبدالقادر مراغه‌ای و دیگر بزرگانی است که عملکرد درخشانی در کارنامه علم و معرفت خود دارند و هر کس باید به اندازه توانش در معرفی این بزرگان اندیشه مبادرت ورزیده و آثار آنان را در دسترس جامعه قرار دهد. لذا برای ادای دین نسبت به استاد سلیمان خان امیرقاسم خانی وظیفه خود دانستم که شناختی از زندگی و آثار این مرد بزرگ را در اختیار هموطنان عزیز قرار دهم.

خوشبختانه فرصت و سعادت نصیبم گردید تا بتوانم با هنرمندان و هنردوستان به ویژه دوستداران موسیقی آوازی و آنان که در جست‌وجوی آواز و آوازخوانان هستند، سخنی داشته باشم. ذکر این مطلب به این دلیل است که موسیقی ایرانی به ویژه موسیقی آوازی در حال حاضر در معرض بی‌مهری و کم‌توجهی قرار گرفته

است. بنابراین هر کس که دلباخته و شیفته موسیقی است، وظیفه دارد تا در راه بهبود آن گامی بردارد و این هنر فاخر و کهن را به عنوان یکی از مهم ترین موارث فرهنگی نیاکانمان در حد وسیع و بضاعت خود به دیگر هم‌نوعان معرفی نماید.

نگارنده که بسیاری از استادان بزرگ و قدیم موسیقی ایران را از نزدیک دیده و با سبک و سیاق آنان آشنایی دارد، بر این اعتقاد است که از میان استادان در خور ستایش، درباره سلیمان خان به نسبت هنر والا و شکوهمندی که در خصوص موسیقی آوازی داشته و سبب گسترش و پرورش موسیقی ملی شده‌اند، چنانچه شایسته ایشان باشد قدردانی و یادآوری لازم به عمل نیامده است.

شایسته می‌دانم از استادانی که در محضرشان کسب فیض نموده و افتخار شاگردی آن‌ها را داشته‌ام و یا به طریقی در خصوص موسیقی با آن‌ها در ارتباط بوده‌ام به طور گذرا سخن به میان آورم؛ باشد که هرچند اندک سپاسگزاری و حق شناسی را به جای آورده باشم.

امید آنکه همه ما با کمک اندیشمندان و سیاست‌گذاران موسیقی ملی، میراث‌دار هویت فرهنگی و هنری خویش باشیم و در حفظ و اشاعه موسیقی ایران پایدار بمانیم.

با توجه به نگارش کتاب‌های گوناگون و ارزشمند درباره فعالیت‌ها و آثار بزرگان موسیقی سرزمین ما، هنوز آثار جامع و مستدلی که سیمای واقعی تمامی این استادان را به خوانندگان معرفی نماید، در دسترس نبوده یا دست‌کم بسیار اندک است. نوشتن شرح حالی از فردی هنرمند که تنها به نام، محل تولد، آثار هنری و زندگی او بپردازد، بدون دسترسی به منابع و مأخذ معتبر پژوهشی، کاری بسیار دشوار و طاقت‌فرساست.

این جانب به دلیل علاقه وافر به امیر قاسم خانی که در حدود پنج سالی در محضر ایشان ردیف‌های موسیقی آوازی را آموخته و بهره گرفته‌ام، بر آن شدم تا ضمن قدردانی از آن سرور گرامی، گامی هرچند کوچک به منظور جبران زحمات و ادای دین به آن مرد فرهیخته بردارم. کتابی که اکنون در دسترس شماست، با تغییرات زیادی به شکل حاضر درآمده است. در این ارتباط به یاد جمله زیبای حکیم چینی (تای تونگ) افتادم که فرمود: «اگر می‌خواستم آن اندازه منتظر بمانم تا

کتابم کامل شود، هرگز از نوشتن این کتاب فارغ نمی شدم، زیرا هرآن با تحول و تغییر زمان، اوراق با مطالب تازه ای افزوده خواهد شد.»

جهت شناخت دقیق تر استاد امیرقاسم خانی مباحثی مرتبط با موسیقی دوران قاجار که نقطه عطفی در موسیقی ما محسوب می شود، دوستان، همکاران و سایر هنرمندان هم عصر او را نیز در حد توان مورد بررسی قرار دادم تا آشنایی با آن موقعیت و زمان، به شناخت دقیق تر و بهتر ایشان منجر شود.

از آنجا که ایشان بیش از سی و هشت سال پیش روی در نقاب خاک کشیده اند، دستیابی به اطلاعات شخصی، خانوادگی و حتی آثار ایشان با مشکلات و گرفتاری های عدیده ای همراه بود. هدف از تلاش من در این مقال، شناخت جوانان از پیشکسوتان هنر موسیقی این مرز و بوم و اعتلای دانش و آگاهی ایشان بوده است، بنابراین در حد بضاعت در این راه تلاش نموده ام. امید آنکه این سعی به شناخت بهتر فرهنگ ملی ما و ایجاد علاقه و انگیزه در راه پاسداری و حفظ این میراث ارزشمند به جا مانده از پیشینیان، بینجامد.

در پایان جا دارد از استاد ارجمند آقای مجید کیانی برای راهنمایی های ارزنده شان، آقای محسن مجیدزاده (م. م. روجا) که در آماده شدن این کتاب کمک شایانی کرده اند، آقای دکتر مصطفی ایمانی، استادیار مرکز همکاری های علمی بین المللی وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری برای راهنمایی ها و تذکرات مفید و نیز همه فرهیختگانی که در تهیه آثار صوتی سلیمان خان امیرقاسم خانی با قبول زحمت های بی دریغ، مرا یاری نموده اند، صمیمانه قدردانی و سپاسگزاری کنم. همچنین از دوست محترم آقای فرهاد فیاض جهت کوشش های بی دریغ و همراهی این جانب در به ثمر رساندن این اثر، و دیگر دوستان هنرمندم، سرکار خانم معصومه طالقانی (عزیزی) از شاگردان سلیمان خان و سرکار خانم شفق خشاء از شاگردان نگارنده به ترتیب جهت عکس و آثار امیر قاسمی، سرکار خانم فاطمه هرمزی برای ارائه عکس پدر بزرگوارش استاد سعیدخان هرمزی که از بهترین و نزدیک ترین دوستان سلیمان خان بوده اند، سرکار خانم مهین دخت فرج نظام از بستگان نزدیک سلیمان خان به خاطر تذکر نام صحیح استاد امیرقاسم خانی نیز عکس هایی که از آلبوم خانوادگی به این جانب داده اند،

و در نهایت از مهدی وحیدصفا از بستگان امیرقاسم خانی برای ارائه عکس سلیمان خان تشکر می‌کنم.

از همسر مهربانم بانو خدیجه قاسمی که در تهیه این کتاب از هیچ‌گونه مهرورزی، همیاری و گذشت صمیمانه دریغ نکردند و از فرزندان عزیزم یاشار و آراین که در تنظیم و ترتیب اوراق و انتخاب عکس استادان و اسکن آن‌ها یاری‌ام نموده‌اند، همین‌طور از دخترگرامی‌ام مارال برای راهنمایی جلد کتاب و تنظیم و مرتب کردن عکس‌های استادان، سپاس‌گزاری می‌نمایم.

تهمورس شاهرخی

۵ اردیبهشت ۱۳۸۴

فصل اول

مروری بر زندگی سلیمان خان امیرقاسم خانی

هنراکتون ز دل خاک طلب باید کرد زان که اندر دل خاک اند همه پرهبران

سلیمان خان امیرقاسم خانی^۱ که با نام مستعار «سلیم خان» خوانندگی می‌کردند، از خوانندگان برجسته و بلندآوازه در دوره قاجار و پهلوی بوده‌اند. استاد امیرقاسم خانی از صدای منحصر به فردی برخوردار بوده و تبحری خاص در انتقال رموز و فنون آوازی داشت. ایشان در سال ۱۲۶۳ خورشیدی در تهران به دنیا آمد و در سال ۱۳۵۴ روی در نقاب خاک کشید.



همه استادان یا هنرآموزان آواز و افرادی که از نزدیک افتخار آشنایی با وی را داشته‌اند، معترفند که سلیمان خان علاوه بر مهارت و اشراف بر ردیف‌های آوازی، از صدایی زیر برخوردار بوده و مهارتی تمام در اجرای زیبای الحان داشته و این استادی و ممارست در میان هم‌قطاران او بی‌نظیر بوده است. اغلب اوقات

استاد سلیمان خان امیرقاسم خانی

۱. طبق اظهار نظر خانم مهین دخت فرح نظام، از بستگان استاد سلیمان خان، نام ایشان سلیمان خان امیرقاسم خانی است، حال آنکه در بیشتر کتابهای موسیقی سلیمان خان امیرقاسمی آمده است.

هنرمندان و هنردوستان موسیقی و اشخاصی که به موسیقی عشق داشتند، در منزل ایشان جمع شده و از صدای پرطنین وی بهره می‌بردند.

قریحه خدادادی و صدای نافذ و پروسعت او سبب گردید تا از اوان جوانی به فراگیری ردیف آوازی نزد برجسته‌ترین استادان فن بپردازد. در این رابطه سال‌ها از محضر ردیف‌دانان منحصر به فرد دوران قاجار همچون عیسی آقاباشی و ابراهیم آقاباشی تلمذ نموده و رفته‌رفته خود در جایگاه یکی از ردیف‌دانان صاحب سبک، مبدأ ردیف و بداهه‌پرداز قرار گرفت. شمار زیادی از استادان مشهور اواخر قاجار و اوایل پهلوی همچون نورعلی خان برومند، علی تجویدی، اصغر بهاری و سعید هرمزی افتخار هم‌نوازی و همراهی با صدای به یاد ماندنی وی را داشته‌اند و علاوه بر این بسیاری از هنرمندان شاخص حال حاضر ایران در حوزه ردیف، از شاگردان او به شمار آمده یا دست‌کم از محضر ایشان کسب فیض نموده‌اند.

از این خواننده شهیر، ردیف‌دان و توانا آثار بسیاری به یادگار مانده که از طریق کمپانی هیزمسترز ویس (His Masters Voice) به نام سلیم خان طی سال‌های ۱۳۰۵-۱۳۰۷ تا اواخر عمر ایشان ثبت و ضبط شده است. هریک از این آثار اسنادی فاخر و مرجعی معتبر در زمینه موسیقی ردیفی ایران محسوب می‌شوند که مشخصات آثار مذکور در همین اثر درج گردیده است.

او در دوره‌ای ناظم مدرسه دارالفنون بود. خدمات وی در ارتباط با آموزش و پرورش هم از دیگر کارهای فرهنگی و اجتماعی ایشان است. بنا به گفته دوستان نزدیک ایشان، وی در نبش سه راه ابوسعید و در طبقه فوقانی داروخانه دکتر ادیب کلاس تعلیم آواز دایر کرده بود تا هنرجویان از درس ردیف‌های آوازی استاد بهره‌مند شوند. نگارنده در دوره مذکور توفیق شاگردی ایشان را نداشته است، اما هنگامی که سلیمان خان در خیابان شاهپور سابق اقامت داشت، به محضر او رسیده و در مقام شاگردی از دانش ایشان در زمینه ردیف آوازی بهره برده است. مرحوم محمد مهدی کمالیان اظهار می‌داشتند که سلیمان خان براساس علایق مردمی خود در دوره‌ای خاص بر روی دروازه تهران آواز خوانده و گروهی از مردم خوش ذوق و علاقه‌مند جواب آواز ایشان را داده و به مبادله آوازی می‌پرداختند.

ایشان همچنان که در مصاحبه خود [مصاحبه با فرزندش مرتضی مهدی‌خانی،



حسین خان طاهرزاده

در پایان آواز در دستگاه ماهر به همراهی سه تار سعید هرمزی در ۹۷ سالگی^۱ اشاره نموده با حسین خان طاهرزاده (۱۲۶۱-۱۳۴۴ ش/۱۸۸۲-۱۹۵۵ م)، یکی از بهترین آوازخوان‌های دوره قاجار نیز مأنوس بوده است.

«سلیمان خان امیر قاسم خانی، خواننده، ردیف‌دان و مدرس آواز، هنرآموخته نزد عیسی و ابراهیم آقاباشی در اصفهان و بهره‌مند از هنر استادان آواز و ساز در تهران، دارای لحن ویژه، تکنیک ممتاز و سلیقه هنری

والا در ارائه مطالب و اجرای آواز بود. از آثار بازمانده و به دست آمده ایشان صفحه گرامافون همراه با تار عبدالله دادور (قوام السلطان) و ویولن علی خان میشرمی باشد. شاگردان ایشان عبارتند از: عطاءالله امیدوار، مرتضی طباطبایی و...»^۱.

سلیمان خان در یک خانواده متدین و بزرگ به دنیا آمد. ایشان از بستگان امیرسلیمانی‌ها بوده که جزء رجال مملکت به شمار می‌آمدند و عضدالملک که ریاست خاندان امیرسلیمانی‌ها را به عهده داشت، از بستگان نزدیک سلیمان خان بوده است. بعدها استاد نام خانوادگی خود را از امیر سلیمانی به امیر قاسم خانی تغییر دادند. این مرد وارسته چه به نام امیرسلیمانی، چه به نام امیر قاسم خانی، چه به نام سلیم خان و یا هر نام دیگری در صحنه هنر آوازی، جایگاهی بس والا داشته و دارند. در کتاب سرگذشت موسیقی ایران به قلم روح‌اله خالقی درباره سلیمان خان چنین آمده است:

دوستی دارم با ذوق که عاشق موسیقی ایران است و همواره اوقات خود را با ساز و آواز می‌گذرانند. محفلی دارد گرم و بی‌ریا و دلی پرشور و باصفا که هنرمندان را به جانب خود می‌کشد. نوای سنتور و آهنگ سه تار و صدای ضربش شیفتگان بی‌شمار دارد؛ هرگاه به خانه‌اش رفته‌ام، نوازندگانی با ذوق و خوانندگان خوش صوت دورش نشسته

۱. بهروز مبصری (گردآورنده)، گفته‌ها و نگفته‌ها، خاطرات محمد مهدی کمالیان، نشر نی، ۱۳۷۰.



از راست به چپ: میرزا عبدالله، پدر روح اله خالقی؛ کریم خالقی، برادر روح اله خالقی؛ میرزا غلامرضا شیرازی، نوازنده تار؛ و روح اله خالقی

بودند. می زدند و می خواندند و سخنی از شعرو موسیقی می گفتند.

روزی به خانه اش رفتم. چند تن از نخبگان موسیقی نشسته بودند که به جزیك نفر بقیه را می شناختم، اما عکس او را دیده بودم. با دقت نگاه در چهره اش، وی را شناختم. از برومند پرسیدم این مرد همان موسیقی دانی نیست که عکسش را دارم؟ گفتند چرا سلیمان خان امیر قاسم خانی است.

باری برومند مرا با سلیمان خان آشنا کرد، نزد یکدیگر نشستیم و اندکی با هم سخن گفتیم، می گفت در سال ۱۲۶۳ خورشیدی به دنیا آمده و از جوانی آوازی

خوش داشته و با خوانندگان معاصر خود چون علی خان نایب السلطنه و حسین خان طاهرزاده و میرزا حسین ساعت ساز آشنا بوده و عیسی آقا باشی را به استادی انتخاب کرده و مدت ها از وی تعلیم گرفته است. با میرزا غلامرضا شیرازی نیز مأنوس بوده و شوقی وافربه شنیدن تارش داشته است. آهسته از برومند پرسیدم آیا این مرد ۷۰ ساله هنوز هم شوق خواندن دارد؟ برومند پاسخ گفت: جایث خالی بود پیش از آنکه به اینجا بیایی، آوازی در دستگاه ماهور خواند و بسیار خوب از عهده برآمد. سه تار را به دست برومند دادم و او هم درآمد سه گاه را در پرده چپ کوک آغاز کرد. به برومند گفتم این مایه برای او زیاد نیست؟ گفت: کمی صبر کن و با گوشه چشم به امیر قاسم خانی اشاره کرد. وی نخست در بم و سپس در اوج غزلی از سعدی را با این شعر آغاز کرد:

دیده از دیدار خوبان برگرفتن مشکل است

هر که ما را این نصیحت می کند بی حاصل است

وقتی که به مخالف رسید و فرود آمد، گفت: «خواندم، ولی این مایه جوانی من بود» و الحق که خوب از عهده برآمد. طاهرزاده نیز در مجلس حضور داشت و مایه مخالف را در بم دنبال و آن را تبدیل به اصفهان نمود و چند بیت از غزل سعدی خواند:

آسوده خاطریم که تو در خاطر منی گر تاج می فرستی و گر تیغ می زنی
این عشق را زوال نباشد به حکم آنک ما پاک دیده ایم و تو پاکیزه دامنی
آنگاه با شیوه ای ماهرانه از مایه اصفهان دوباره فرودی مناسب به سه گاه نمود و
گفت: «امیرقاسم خانی مرا بر سر شوق آورد، ولی افسوس که صدایم دیگر یاری
نمی کند. شوق خواندن هست، اما سینه ام توانایی ندارد».^۱



میرزا غلامرضا شیرازی نوازنده تار



عیسی آقاباشی استاد امیرقاسم خانی

استاد امیرقاسم خانی با اسم مستعار سلیم خان خوانندگی می کرد. یعنی با نام
سلیم خان مشهور شد و بعداً که خانه نشین شده بود، بیشتر با نام سلیمان خان
امیرقاسمی از ایشان نام می بردند.

همان گونه که گفتیم، سلیمان خان از جوانی صدایی رسا و جذاب داشت و
عیسی آقاباشی را که از خوانندگان معروف و تربیت شده ابراهیم آقاباشی (بزرگ)
اصفهانی بود، به استادی برگزید. تحت تربیت او با دستگاه های موسیقی و رموز
خوانندگی آشنا شد و از مصاحبت استادان بزرگ خواننده و نوازنده همانند علی خان
نایب السلطنه و میرزا غلامرضا شیرازی بهره مند گردید. آوازهایی که در اواخر،

۱. روح اله خالقی، سرگذشت موسیقی ایران، ص ۲۴۸.

حسین طاهرزاده در محافل خصوصی و در مایه پست می خواند، امیرقاسم خانی در مایه بلند می خواند و شنوندگان را به اعجاب و تحسین وامی داشت.

او در تلاش برای شکوفایی هنر موسیقی با حداقل امکان دوران خود، مرارت ها و رنج های بسیاری را متحمل شد، اما شخصیت هنری خود را فراموش نکرد و هنر را برای ارج هنرخواسته و به آن پای بند بود.

سلیمان خان در محفلی که سخنی از عرفان و ادبیات نبود، حضور نمی یافت. او مردی وارسته، با اعتماد به نفس، متواضع، هنردوست، مهربان، شوخ طبع و سخاوتمند بود و شخصیت ممتازی در میان هنرمندان و هنردوستان داشت.